

بررسی ارتباط بین محافظه کاری با کیفیت سود و شرایط تورمی اقتصادی در شرکتها

مهدی گلشن^{۱*}

محمد رضا عبدلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی ارتباط بین محافظه کاری با کیفیت سود و شرایط تورمی اقتصادی در شرکتها طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ می باشد. در این تحقیق اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحقیق، از لوح های فشرده حاوی گزارش های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نیز از نرم افزارهای ره آورد نوین و تدبیر پرداز استخراج شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت هایی می باشد که حداقل از ابتدای سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۷ در آن حضور داشته اند و حجم نمونه آماری نیز بر اساس روش حذفی سیستماتیک ۱۲۰ شرکت می باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ۱۲۰ شرکت با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می دهد اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

واژگان کلیدی

محافظه کاری، کیفیت سود، شرایط تورمی

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران. (Ahcom1368@gmail.com)

۲. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران. (Mra830@yahoo.com)

۱. مقدمه

محافظه کاری یکی از ویژگی های بارز گزارشگری مالی است که به نظر واتر کیفیت چشمگیر و غالب در عرصه حسابداری و گزارشگری مالی بوده است. اهمیت دادن به این مفهوم نشان دهنده آن است که به کارگیری و اعمال رویه های محافظه کارانه از ویژگی فزونی منافع بر مخارج برخوردار است. در هنگام تهیه صورتهای مالی به دلیل اهمیتی که سهام داران و سرمایه گذاران و اعتباردهندگان از نظر شرکت بر روی تصمیمات و سیاستهای شرکت، به نیازهای آنها توجه بیشتری می شود. آن ویژگی و خصوصیتی که باعث می شود این خوش بینی (بهتر از جلوه دادن اوضاع) توسط تهیه کنندگان صورتهای مالی تعدیل و از منافع استفاده کنندگان صورتهای مالی حمایت گردد، محافظه کاری است.

باسو (۱۹۹۷) بیان می کند که انعکاس محافظه کاری از طریق ارقام تعهدی منجر به تفاوت های قابل پیش بینی در ویژگیهای جریان های نقدی و ارقام تعهدی می شود. او نشان می دهد که به موقع بودن سود بر اثر شناسایی به موقع تر "اخبار بد" از طریق ارقام تعهدی است؛ با این حال ارقام تعهدی اخبار خوب را به موقع تر از جریان های نقدی شناسایی نمی کنند.

گیولی و هاین از ارقام تعهدی اختیاری (غیرعملیاتی) برای اندازه گیری محافظه کاری استفاده می کنند؛ زیرا به اعتقاد آنها حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه کاری است. ارقام تعهدی غیرعملیاتی برای مثال، شامل ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، افزایش هزینه های ناشی از تغییر برآوردها، دارایی های ثابت و ارقام انتقالی به دوره های آتی است. این پژوهشگران با بررسی انباشت این ارقام طی دوره های مورد بررسی و مشاهده این که با گذشت زمان، ارقام تعهدی غیرعملیاتی انباشته، منفی و منفی تر شده اند، نتیجه گرفته اند که با گذشت زمان محافظه کاری بیشتر و بیشتر شده است. براساس مفهوم محافظه کاری واحدهای اقتصادی در مواجهه با وضعیتهای گوناگون روشی را انتخاب و اعمال می کنند که دارای حداقل اثر افزایشی بر سود خالص و جمع دارایی ها داشته باشد و این مسئله ممکن است تأثیرات بسزایی در محتوای اطلاعات تهیه شده توسط سیستم داشته باشد. مسئله اساسی که سبب انجام این پژوهش شده است بررسی این موضوع است که رونق و رکود اقتصادی چه تأثیری بر میزان محافظه کاری اعمال شده توسط واحدهای اقتصادی و بر محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری خواهد داشت قریباً همه استفاده کنندگان برون سازمانی در تلاش اند، به کمک اطلاعات مالی گزارش شده، سود را در چند دوره آتی پیش بینی کنند؛ بنابراین سرمایه گذاران با استفاده از اطلاعات مالی شرکت ها، بازده مورد انتظار خود را برآورد می کنند. در ضمن سرمایه گذاران در مقایسه با سایر شاخص های عملکرد از قبیل سود نقدی، جریان های نقدی، اتکای بیشتری بر روی اطلاعات مربوط به سود دارند. از اینرو سود حسابداری یکی از ارقام مهم و اصلی صورت های مالی است که توجه استفاده کنندگان صورت های مالی را به خود جلب میکند. سرمایه گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و دیگر استفاده کنندگان صورت های مالی از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکت ها و سایر تصمیمات مربوط به شرکت استفاده می کنند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حسابداران به طور سنتی محافظه کاری را از طریق قاعده "هیچ سودی را پیش بینی نکن اما همه زیانها را پیش بینی کن" بیان نموده‌اند (بلیس، ۱۹۲۴) باسو این قاعده را به معنی تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری^۱ در شناسایی اخبار خوب و سودها نسبت به اخبار بد و زیانها تفسیر می‌نماید.

برخی محافظه کاری را به طور وسیع تر و به عنوان، ترجیح رویه‌های حسابداری که باعث گزارش ارزش پایین تری برای حقوق صاحبان سهام می‌شود، تفسیر نموده‌اند. به طور مثال، بلکویی (۱۹۸۵)^۲ ادعا می‌نماید که محافظه کاری "دلالت بر این موضوع دارد که ترجیحا کمترین مقادیر برای دارایی‌ها و درآمدها و بیشترین مقادیر برای بدهی‌ها و هزینه‌ها باید گزارش شوند". گرچه محافظه کاری به طور وسیعی بر ارزش دفتری خالص دارایی‌ها و سود خالص تأثیر می‌گذارد، ولی حسابداران اغلب بر شکل‌های (شیوه‌های) محدودی از محافظه کاری تمرکز می‌نمایند. برای مثال انتخاب روش‌های استهلاک تسریعی در مقابل روش خط مستقیم، سرمایه‌ای کردن یا هزینه کردن فوری مخارج تحقیق و توسعه، یا قاعده اقل بهای تمام شده و ارزش بازار در رابطه با موجودی کالا، از جمله روش‌های انتخابی حسابداری محافظه کارانه می‌باشند. با این حال پژوهش‌های تجربی معمولاً بر ساختارهای محافظه کاری گسترده تری تکیه می‌کنند که منعکس کننده تأثیر انباشته انتخاب‌های حسابداری مدیران، شامل عدم تقارن اطلاعاتی، مفروضات و برآوردهای آنها نیز می‌باشد (احمد و همکاران^۳، ۲۰۰۲).

باسو (۱۹۹۷)^۴ محافظه کاری را به عنوان تمایل حسابداران در الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد در صورت‌های مالی تفسیر می‌کند. در تفسیر او از محافظه کاری، سودها اخبار بد را در مقایسه با اخبار خوب سریع تر منعکس می‌کند. برای مثال، زیان‌های عملیاتی تحقق نیافته نسبت به سودهای عملیاتی تحقق نیافته زودتر شناسایی می‌گردد. این عدم تقارن در شناسایی به تفاوت‌های سیستماتیک بین دوره‌های اخبار بد و اخبار خوب در به موقع بودن سودها و دوام سودها منجر می‌شود.

• روش‌های مختلف اندازه گیری محافظه کاری

محققان از پنج نوع معیار برای اندازه گیری محافظه کاری استفاده می‌کنند:

۱-۱۰-۲) معیارهای مبتنی بر اقلام تعهدی^۵ گیولی و هاین^۶

۲-۱۰-۲) معیارهای مبتنی بر اقلام تعهدی شیواکومار

۳-۱۰-۲) معیارهای مبتنی بر ارزش بازار^۷

^۱ verification

^۵ Belkaoui

^۳ Ahmed et al.

^۷ Basu (1997)

^{۶-۸} Givoly & Hayn

^{۱۰} Market based measure

۲-۱۰-۴) معیارهای رابطه بازدهی سود و سهام (عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان)

۲-۱۰-۵) روش پنمن و ژانگ^۸ در اندازه‌گیری محافظه‌کاری

هر پنج معیار بر تاثیر نامتقارن محافظه‌کاری نسبت به شناسایی سودها و زیانها و در نهایت بر اعداد حسابداری گزارش شده، مخصوصا خالص دارایی‌ها، سود و ارقام تعهدی، تاکید دارند.

۲-۲-۱) معیار محافظه‌کاری مبتنی بر ارقام تعهدی گیولی و هاین

یکی از تعاریف دقیق محافظه‌کاری عبارت است از "انتخاب معیاری از بین رویه‌های حسابداری که از طریق شناسایی کندتر درآمدها، سریع‌تر هزینه‌ها و کمتر ارزیابی نمودن دارایی‌ها و بیشتر ارزیابی نمودن بدهی‌ها منجر به حداقل سود انباشته گزارش شده توسط شرکت گردد". این تعریف به خوبی بُعد چند دوره‌ای بودن انتخاب‌های حسابداری را در نظر گرفته و چندین معیار تجربی برای اندازه‌گیری میزان محافظه‌کاری به دست می‌دهد. یکی از این معیارها، علامت و مقدار ارقام تعهدی تجمیعی طی زمان است. ارقام تعهدی در دوره‌های بعد معکوس می‌شوند. انتظار می‌رود در دوره‌های متعاقب دوره‌هایی که سود خالص بیش از وجه نقد عملیاتی است، از ارقام تعهدی منفی استفاده شود؛ و در دوره‌هایی که سود خالص کمتر از وجه نقد عملیاتی است، انتظار می‌رود دوره‌های بعدی با ارقام تعهدی مثبت همراه باشند. برای شرکت‌های در وضعیت باثبات و بدون رشد، انتظار می‌رود سود خالص قبل از استهلاک در بلندمدت با وجه نقد حاصل از عملیات همگرا باشد (گیولی و هاین، ۲۰۰۰). یکی از معیارهای اندازه‌گیری محافظه‌کاری، علامت و مقدار ارقام تعهدی انباشته طی زمان است. رفتار نامتقارن محافظه‌کاری نسبت به سودها و زیانها، باعث ایجاد عدم تقارن در ارقام تعهدی می‌شود. زیانها کاملا شناسایی می‌شوند ولی سودها معوق می‌شوند؛ و این منجر به منفی شدن ارقام تعهدی شده و در نتیجه ارقام تعهدی انباشته کمتر از واقع ارائه می‌گردند (واتس، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، وجود مستمر ارقام تعهدی منفی در طی یک دوره زمانی بلندمدت در شرکت‌ها، معیاری از محافظه‌کاری به شمار می‌رود؛ یعنی هرچه میانگین ارقام تعهدی طی دوره مربوطه منفی و بیشتر باشد، محافظه‌کاری بیشتر خواهد بود. در عین حال، نرخ انباشتگی خالص ارقام تعهدی منفی نشانگر تغییر درجه محافظه‌کاری در طول زمان می‌باشد. گیولی و هاین اولین بار در سال ۲۰۰۰ این معیار را معرفی و ارائه و محافظه‌کاری را از طریق مدل زیر اندازه‌گیری کردند: سود ویژه قبل از ارقام غیرمترقبه منهای جریان نقدی عملیاتی به علاوه هزینه استهلاک، همگن شده از طریق تقسیم بر دارایی‌های اول دوره، ضربدر (۱-). مقادیر بیشتر محافظه‌کاری محاسبه شده با این معیار، بیانگر بالاتر بودن محافظه‌کاری است.

محرومی (۱۳۹۴) که این تحقیق بررسی وجود محافظه‌کاری و تاثیر آن بر رابطه ارزش اطلاعات حسابداری می‌باشد که روش تحقیق شبه تجربی می‌باشد که جامعه آماری شرکتهای پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۷ است که نتایج حاکی از آن است که زمانی شرکتهای داردی محافظه‌کاری پایین به طرف شرکتهای دارای محافظه‌کاری متوسط حرکت می‌کنند رابطه ارزش اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد

پور حیدری و غفارلو (۱۳۹۴) که به بررسی رابطه بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط پرداختند برای این منظور از اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۸ استفاده شد و برای سنجش محافظه کاری مشروط از مدل باسو استفاده شده است از آنجایی که رقابت حالت چند بعدی دارد مهمترین آن شامل قابلیت جانشینی محصولات، حجم تقاضا، موانع ورود، نسبت تمرکز و تعداد شرکت هستند ارتباط این ابعاد ۵ گانه مورد بررسی قرار گرفت نتایج حاکی از آن است که بین قابلیت جانشینی و محافظه کاری مشروط ارتباط معکوس و معنادار و ارتباط بین حجم تقاضا و تعداد شرکت‌های عضو صنایع با محافظه کاری مشروط ارتباط مثبت و معنادار و همچنین بین موانع ورود و محافظه کاری مشروط ارتباط معکوس و معنادار و نهایتاً بین نسبت تمرکز و محافظه کاری مشروط ارتباط معکوس وجود دارد.

لافوند و رویچودھاری (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی رابطه درصد مالکیت مدیران با محافظه کاری پرداختند. آن‌ها از مدل باسو (۱۹۹۷) به عنوان معیار محافظه کاری استفاده نمودند؛ و اندازه شرکت، بدهی و ریسک ادعاهای حقوقی را به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفتند. متغیرهای مستقل و کنترلی مورد استفاده دارای وقفه یک ساله به منظور مشاهده تاثیر آنها بر محافظه کاری سال بعد بوده است. یافته‌های آن‌ها به شرح زیر بود:

- (۱) هر قدر درصد مالکیت مدیران موظف کمتر می‌شود، با توجه به کاهش همسویی منافع آنان با سهامداران و افزایش هزینه‌های نمایندگی، تقاضا برای محافظه کاری افزایش می‌یابد،
- (۲) بین نسبت بدهی با محافظه کاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش سطح بدهی تقاضا برای محافظه کاری افزایش می‌یابد.
- (۳) بین اندازه شرکت با محافظه کاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

لی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان حسابداری محافظه کارانه و رفتار پیش بینی سود مدیران دریافت که انتشار اعلامیه های پیش بینی سود و تکرار آنها متناسب با سطح محافظه کاری افزایش می‌یابد. همچنین محتوای اطلاعاتی پیش بینیهای مدیریت، اندازه گیری شده براساس میزان ارتباط با نتایج تحلیل، بطور منفی با سطح محافظه کاری مربوط است و این ارتباط با تغییر در رشد دارائیهها تغییر می‌یابد و هنگامیکه مدیران اثر ترکیبی تغییرات در میزان محافظه کاری اعمال شده در گزارشگری مالی را که ممکن است منجر به اشتباه در برآورد توسط تحلیلگران شود را آشکار میدهند، ثابت است. علاوه بر این متعاقب انتشار اعلامیه های سود توسط مدیران، تحلیلگران، پیش بینی های سود را بمنظور کاهش دادن اثر محافظه کاری اعمال شده، اصلاح مینمایند. در حالت کلی مدیران اعلامیه های سود را منتشر میکنند که اثرات حسابداری محافظه کارانه را که توسط تحلیل گران بطور کامل شناسائی نمیشود را تعدیل نمایند

تحقیقات پیشین بیانگر این مطلب است که تحلیلگران مالی تأثیر حسابداری محافظه کارانه روی سود گزارش شده را درک نمی نمایند.

پای و تورنتون (۲۰۱۴) دریافت که تحلیلگران گمراه شده و خطای پیش بینی سود آنها در مورد شرکتهایی که اخبار بد را گزارش می کنند نسبت به شرکتهایی که اخبار خوب را گزارش می کنند، بیشتر است. آنها نتایج خود را بدین نحو تفسیر نمودند که تحلیلگران مالی قادر به ترکیب اثر حسابداری محافظه کارانه در پیش بینیهای سود خود نمی باشند.

۳. فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

فرضیه دوم: کیفیت سود در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از ارتباط ارزشی کیفیت سود در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

فرضیه سوم: در شرایط تورمی در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از شرایط تورمی در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. هم چنین تحقیق حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است.

۵. جامعه و نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

جامعه آماری به کل گروه افراد، وقایع یا چیزهایی اشاره دارد که محقق می خواهد به تحقیق درباره آنها بپردازد. اعضای جامعه از نظر برخورداری از یک صفت خاص با یکدیگر اشتراک دارند. نمونه مجموعه کوچکی از جامعه آماری و مشتمل بر برخی اعضای جامعه می باشد؛ به عبارت دیگر تعدادی از اعضای جامعه آماری و نه همه آنها نمونه تحقیق را تشکیل می دهند. برای نمونه گیری روش های گوناگونی وجود دارد. نمونه گیری تصادفی ساده، نمونه گیری منظم (سیستماتیک)، نمونه گیری تصادفی طبقه ای، نمونه گیری خوشه ای، نمونه گیری ناحیه ای، نمونه گیری مضاعف، نمونه گیری در دسترس، نمونه گیری هدفدار قضاوتی و نمونه گیری هدفدار سهمیه ای برخی از رویکردهای مورد استفاده برای انتخاب نمونه هستند (سکاران، ۲۰۰۴).

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت هایی می باشد که حداقل از ابتدای سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۷ در آن حضور داشته اند. نمونه آماری این تحقیق مشتمل بر شرکت هایی است که از ویژگی های زیر هم زمان برخوردار بوده باشند:

- (۱) شرکتهای سرمایه گذاری و بیمه و بانکها از جامعه آماری حذف خواهند شد.
- (۲) پایان سال مالی شرکتها آخر اسفند هر سال بوده و در طول دوره فوق الذکر تغییری در سال مالی نداده باشند.
- (۳) بیش از چهار ماه در هر سال توقف نماد معاملاتی نداشته باشند.

(۴) داده های موردنظر آنها برای سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ در دسترس باشد.

با مد نظر قراردادن محدودیت‌های فوق نزدیک به ۱۲۰ شرکت طی ۶ سال (۷۲۰ سال- شرکت) به عنوان نمونه آماری (مشاهدات) این تحقیق انتخاب شدند. اسامی شرکت‌های مورد بررسی در پیوست نمایش داده شده است.

جدول ۱) تعداد شرکت های نمونه پس از غربالگری

تعداد	شرح
۵۶۱	تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۰
(۱۶۰)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی پژوهش از بورس برون رفت داشته اند
(۴۱)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی پژوهش وارد بورس شده اند
(۳۹)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی پژوهش سال مالی آنها به ۱۲/۲۹ ختم نمی شوند
(۲۸)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی پژوهش سال مالی تغییر داده اند
(۴۵)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی پژوهش به امور سرمایه گذاری و واسطه گری مالی اشتغال دارند
(۷۰)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی پژوهش بیش از ۴ ماه وقفه معاملاتی داشته اند
۱۲۰	تعداد شرکت های مورد بررسی

انتخاب نمونه براساس معیارهایی مانند معیارهای پیش گفته را روش حذفی می‌نامند

از نظر نوع روش نمونه‌گیری می‌توان این روش را منطبق بر روش نمونه‌گیری هدفدار قضاوتی دانست. این نوع نمونه‌گیری مستلزم انتخاب آزمودنی‌ها و مشاهداتی است که بهترین و منطقی‌ترین شرایط را برای ارایه اطلاعات مورد نیاز دارند. این طرح نمونه‌گیری زمانی بکارگرفته می‌شود که طبقه یا شمار محدودی از افراد جامعه اطلاعات یا ویژگی‌های مورد نظر را داشته باشند. از دیدگاهی دیگر می‌توان روش حذفی بکارگرفته شده در این پژوهش برای انتخاب نمونه را منطبق بر طرح نمونه‌گیری مضاعف دانست. در نمونه‌گیری مضاعف ابتدا یک نمونه از جامعه انتخاب می‌شود و در پی آن یک گروه نمونه فرعی (گروه نمونه دوم) از میان مشاهدات نمونه اول انتخاب می‌شوند. سپس یک گروه نمونه فرعی دیگر (گروه نمونه سوم) از میان مشاهدات نمونه دوم انتخاب می‌شود و این فرآیند تا زمانی که شرایط مورد نظر پژوهشگر درباره مشاهدات صدق نماید ادامه می‌یابد (سکاران^۹، ۲۰۰۴). در پایان ضروری است اشاره شود که

^۹ Sekaran, O.

به اعتقاد برخی دیگر از پژوهش‌گران انتخاب برخی از مشاهدات از طریق غربال کردن کلیت مشاهدات در دسترس جامعه، نه یک روش نمونه‌گیری بلکه روشی برای تعدیل حجم جامعه مورد بررسی است.

۶. مدل و متغیرهای پژوهش

مدل آزمون فرضیه اول تحقیق:

$$MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \text{Conservatism}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Cycle Business}_t + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t+2} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} + \beta$$

متغیر وابسته

Conservatism = میزان محافظه کاری. جهت اندازه‌گیری محافظه کاری از مدل گیولی و هین به شرح زیر استفاده شده است. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می‌شود:

(هزینه استهلاک + سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه) - جریان نقدی حاصل از عملیات = اقلام تعهدی عملیاتی

متغیر مستقل

Cycle Business = چرخه های تجاری. در این تحقیق جهت تبیین و تعریف چرخه های تجاری از شاخص کل بازار بورس اوراق بهادار تهران استفاده می‌شود. بدین ترتیب که میانگین شاخص کل بازار در طول سالهای تحقیق محاسبه شده و سالهایی را که شاخص کل بازار در آن سالها، بالاتر از میانگین محاسبه شده باشد؛ بعنوان دوره رونق و سایر سالها بعنوان دوره رکود تلقی خواهد شد. این متغیر بصورت یک متغیر مجازی در مدل آزمون فرضیات وارد شده است. برای سالهای رونق تجاری مقدار آن ۱ و برای سایر سالهای تحقیق مقدار آن صفر در نظر گرفته شده است و در تحقیقات مشابه نظیر "اندازه‌گیری چرخه تجاری در ایران" در سال ۱۳۸۹ در مجله تحقیقات اقتصادی دکتر طیب نیا این شیوه را اجرا کرده است؛ و همچنین دکتر صیادزاده در سال ۱۳۸۷ در فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی در مقاله ای تحت عنوان "بررسی ویژگیهای ادوار تجاری در ایران" از این شیوه برای یک دوره ۴۷ ساله (سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵) استفاده نموده است.

متغیرهای کنترلی

SIZE = اندازه شرکت (لگاریتم جمع دارایی های شرکت)

LEV = اهرم مالی (نسبت کل بدهی به کل دارایی ها)

MTB = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

ε = خطای غیر قابل پیش بینی

مدل آزمون فرضیه دوم تحقیق: مدل آزمون فرضیه دوم تحقیق:

$$ICE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Cycle Business}_t + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t+2} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

• **متغیر وابسته**

ICE = محتوای اطلاعاتی سود حسابداری. جهت اندازه گیری محتوای اطلاعاتی سود حسابداری از مدل ذیل استفاده می شود:

$$RET_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 EARN_{it} + \alpha_2 EARN_{it+1} + \alpha_3 \Delta EARN_{it} + \alpha_4 RET_{it+1} + \varepsilon_{it}$$

RET_{it}: بازده سالانه هر سهم

EARN_{it}: سود خالص هر سهم قبل از ارقام غیر مترقبه

EARN_{it+1}: سود خالص آتی هر سهم قبل از ارقام غیر مترقبه

ΔEARN_{it}: تغییر در سود سالیانه هر سهم قبل از ارقام غیر مترقبه

ضریب برآوردی α₁ حاصل از برازش مدل رگرسیونی فوق به عنوان ارتباط شاخص محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در نظر گرفته می شود.

• **متغیر مستقل**

Cycle Business = چرخه های تجاری. در این تحقیق جهت تبیین و تعریف چرخه های تجاری از شاخص کل بازار بورس اوراق بهادار تهران استفاده می شود. بدین ترتیب که میانگین شاخص کل بازار در طول سالهای تحقیق محاسبه شده و سالهایی را که شاخص کل بازار در آن سالها، بالاتر از میانگین محاسبه شده باشد؛ بعنوان دوره رونق و سایر سالها بعنوان دوره رکود تلقی خواهد شد. این متغیر بصورت یک متغیر مجازی در مدل آزمون فرضیات وارد شده است. برای سالهای رونق تجاری مقدار آن ۱ و برای سایر سالهای تحقیق مقدار آن صفر در نظر گرفته شده است و در تحقیقات مشابه نظیر "اندازه گیری چرخه تجاری در ایران" در سال ۱۳۸۹ در مجله تحقیقات اقتصادی دکتر طیب نیا این شیوه را اجرا کرده است؛ و همچنین دکتر صیادزاده در سال ۱۳۸۷ در فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی در مقاله ای تحت عنوان "بررسی ویژگیهای ادوار تجاری در ایران" از این شیوه برای یک دوره ۴۷ ساله (سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵) استفاده نموده است.

• **متغیرهای کنترلی**

ارزش شرکت (SIZE): لگاریتم جمع دارایی های شرکت

نسبت اهرمی (LEV): نسبت کل بدهی به کل دارایی ها

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

مدل آزمون فرضیه سوم تحقیق: مدل آزمون فرضیه سوم تحقیق:

$$ICEF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Cycle Business}_t + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t+2} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

- **متغیر وابسته**

ICEF = محتوای اطلاعاتی سودهای مورد انتظار آتی. جهت اندازه گیری محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی از مدل ذیل استفاده می شود:

$$RET_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 EARN_{it} + \alpha_2 EARN_{it+1} + \alpha_3 \Delta EARN_{it} + \alpha_4 RET_{it+1} + \varepsilon_{it}$$

RET_{it}: بازده سالانه هر سهم

EARN_{it}: سود خالص هر سهم قبل از ارقام غیر مترقبه

EARN_{it+1}: سود خالص آتی هر سهم قبل از ارقام غیر مترقبه

ΔEARN_{it}: تغییر در سود سالیانه هر سهم قبل از ارقام غیر مترقبه

ضریب برآوردی α₂ حاصل از برازش مدل رگرسیونی فوق به عنوان شاخص محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی در نظر گرفته می شود.

- **متغیر مستقل**

Cycle Business = چرخه های تجاری. در این تحقیق جهت تبیین و تعریف چرخه های تجاری از شاخص کل بازار بورس اوراق بهادار تهران استفاده می شود. بدین ترتیب که میانگین شاخص کل بازار در طول سالهای تحقیق محاسبه شده و سالیانی را که شاخص کل بازار در آن سالها، بالاتر از میانگین محاسبه شده باشد؛ بعنوان دوره رونق و سایر سالها بعنوان دوره رکود تلقی خواهد شد. این متغیر بصورت یک متغیر مجازی در مدل آزمون فرضیات وارد شده است. برای سالهای رونق تجاری مقدار آن ۱ و برای سایر سالهای تحقیق مقدار آن صفر در نظر گرفته شده است و در تحقیقات مشابه نظیر "اندازه گیری چرخه تجاری در ایران" در سال ۱۳۸۹ در مجله تحقیقات اقتصادی دکتر طیب نیا این شیوه را اجرا کرده است؛ و همچنین دکتر صیادزاده در سال ۱۳۸۷ در فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی در مقاله ای تحت عنوان "بررسی ویژگیهای ادوار تجاری در ایران" از این شیوه برای یک دوره ۴۷ ساله (سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵) استفاده نموده است.

- **متغیرهای کنترلی**

ارزش شرکت (SIZE): لگاریتم جمع دارایی های شرکت

نسبت اهرمی (LEV): نسبت کل بدهی به کل دارایی ها

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

۷. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه اول

" فرضیه اول: اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از

اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

در جدول ۲- میانگین میزان محافظه کاری در شرکت های دوره رونق و رکود به تفکیک هر سال-شرکت ارائه شده است. در این جدول نیز معناداری تفاوت میانگین میزان محافظه کاری در طول دوره های رونق و رکود با استفاده از آزمون t استیودنت مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است. برای انجام این آزمون، فرضیه آماری تحقیق به صورت زیر تبیین می شود:

H_0 : بین اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری نسبت به اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری تفاوت معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری نسبت به اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲) نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین ها

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد (سال-شرکت)	شرح
۰,۲۸۰۷	۵,۰۹۷	۰,۴۳۴	۴۶۶	میزان محافظه کاری در دوره رکود
۰,۰۰۴۰	۰,۱۶۸۶	۰,۲۶۶	۶۹۸	میزان محافظه کاری در دوره رونق
۰/۰۰۲۲	معنی داری (P-Value)		آماره t ۳/۰۷۴۴-	
۰/۰۰۲۲	معنی داری (P-Value)		آماره F ۹/۴۵۱۷	

مطابق با جدول بالا، نتایج آزمون t استیودنت برای مقایسه میانگین میزان محافظه کاری در دوره های رونق و رکود نشان می دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت میانگین این دوره های رونق و رکود معنی دار است؛ زیرا قدر مطلق آماره t این آزمون (۳/۰۷۴۴-) بیشتر از حداقل مقدار قابل قبول برای سطح اطمینان ۹۵٪ مطابق جدول (۱/۹۶) است. در نتیجه در

سطح خطای قابل قبول ۵٪، فرض آماری معنی دار بودن تفاوت محافظه کاری در دوره های رونق و رکود رد نمی شود. لذا با توجه به میانگین میزان محافظه کاری می توان گفت که اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری (۰/۴۳۴) بیشتر از اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری (۰/۲۶۶) می باشد؛ بنابراین فرضیه پژوهشی این تحقیق مبنی بر این که اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری می باشد تایید می شود.

تحلیل رگرسیون فرضیات دوم و سوم

در این تحقیق برای آزمون فرضیات دوم و سوم تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$RET_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 EARN_{it} + \alpha_2 EARN_{it+1} + \alpha_3 \Delta EARN_{it} + \alpha_4 RET_{it+1} + \varepsilon_{it}$$

پس از آزمون مفروضات رگرسیون و اطمینان از برقراری آنها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق برای در جداول ۳ و ۴ به ترتیب برای دوره های رکود و رونق ارائه شده است.

در جدول ۳ مقدار آماره $F(14/781)$ نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می باشد. همان طور که در قسمت پایین جدول ۳ مشخص شده است، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارتند از ۶۰/۸ درصد و ۵۷/۶ درصد؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۶۰/۸ درصد از تغییرات بازده سهام شرکت های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می شوند.

در این جدول اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان دهنده میزان تاثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر عملکرد شرکت های مورد بررسی است.

نحوه داوری: در صورتی که مقدار sig محاسبه شده توسط نرم افزار کمتر از سطح اطمینان در نظر گرفته شده (در این پژوهش معادل ۵٪) باشد، معنی داری متغیر مورد نظر تایید شده و فرضیه مرتبط با آن تایید می گردد. همچنین با توجه به مقدار آماره t ، نیز اگر این آماره از مقدار معادل آن در جدول t استیودنت با همان سطح اطمینان (۵٪) بیشتر باشد، فرضیه مرتبط با آن تایید می گردد. با توجه به توضیحات فوق نیز اطلاعات جدول ۳ می توان گفت که در معادله فوق متغیرهای در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می باشند.

جدول ۳ نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون (دوره رونق)

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	α_0	۵/۵۰۷۵	۵/۵۰۸	۰/۰۰۰
$EARN_{it}$	α_1	۴/۲۱۶	۲/۱۴۳	۰/۰۰۳
$EARN_{it+1}$	α_2	۵/۰۹۷	۲/۳۸۷	۰/۰۰۲
$\Delta EARN_{it}$	α_3	۳/۷۳۷	۲/۸۴۸	۰/۰۱۵
RET_{it+1}	α_4	۵/۳۱۴	۲/۶۰۲	۰/۰۰۳۶
ضریب تعیین	۰/۶۰۷	آماره F		۱۴/۷۸۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷۵	معنی داری (P-Value)		۰/۰۰۰
		آماره دوربین واتسون		۱/۶۷۵

در جدول ۴ مقدار آماره F (۲۱/۶۵۳) نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می باشد. همان طور که در قسمت پایین جدول ۴ مشخص شده است، ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارتند از ۴۰/۵ درصد و ۳۶/۸ درصد؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۳۶/۸ درصد از تغییرات بازده سهام شرکت های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می شوند.

در این جدول اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان دهنده میزان تاثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر عملکرد شرکت های مورد بررسی است.

نحوه داوری: در صورتی که مقدار sig محاسبه شده توسط نرم افزار کمتر از سطح اطمینان در نظر گرفته شده (در این پژوهش معادل ۰/۵٪) باشد، معنی داری متغیر مورد نظر تایید شده و فرضیه مرتبط با آن تایید می گردد. همچنین با توجه به مقدار آماره t، نیز اگر این آماره از مقدار معادل آن در جدول t استیودنت با همان سطح اطمینان (۰/۵٪) بیشتر باشد، فرضیه مرتبط با آن تایید می گردد. با توجه به توضیحات فوق نیز اطلاعات جدول ۴ می توان گفت که در معادله فوق متغیرهای در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می باشند.

جدول ۴- نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون (دوره رکود)

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	α_0	۲/۵۶۲	۴/۷۸۶	۰/۰۰۰
EARN _{it}	α_1	۲/۲۳۵	۵/۰۷۴	۰/۰۰۰
EARN _{it+1}	α_2	۳/۴۶۸	۳/۸۳۷	۰/۰۰۰
Δ EARN _{it}	α_3	۴/۴۲۲	-۲/۳۸۱	۰/۰۱۷
RET _{it+1}	α_4	۳/۵۲۸	۲/۶۱۸	۰/۰۰۹
ضریب تعیین	۰/۴۰۵	آماره F	۲۱/۶۵۳	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۶۸	معنی داری (P-Value)		۰/۰۰۰
		آماره دورین واتسون		۱/۶۷۶

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: کیفیت سود در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از ارتباط ارزشی کیفیت سود در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

مطابق با جدول ۵، محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در دوره های رونق و رکود معنادار بوده اما از آنجایی که مقدار محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در دوره های رونق بیشتر از دوره های رکود می باشد، فرضیه دوم تحقیق مبنی بر این که محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در طول دوره های رکود تجاری در مقایسه با دوره های رونق تجاری بیشتر می باشد تایید نمی گردد.

جدول ۵ مقایسه محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در دوره های رونق و رکود						
شرکت	نام متغیر	ضریب	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری	معنی
دوره رونق	محتوای اطلاعاتی سود حسابداری	a_1	۴/۲۱۶	۲/۱۴۲	۰/۰۰۳	
			۲/۲۳۵	۵/۰۷۴	۰/۰۰۰	

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: در شرایط تورمی در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از شرایط تورمی در طول دوره های رونق تجاری می باشد.

مطابق با جدول ۶، محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی در دوره های رونق و رکود معنادار بوده اما از آنجایی که مقدار محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی در دوره های رونق بیشتر از دوره های رکود می باشد، فرضیه سوم تحقیق مبنی بر این که محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی در طول دوره های رکود تجاری در مقایسه با دوره های رونق تجاری بیشتر می باشد تایید نمی گردد.

جدول ۶ مقایسه محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی در دوره های رونق و رکود					
شرکت	نام متغیر	ضریب	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
دوره رونق	محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی	a _۲	۵/۰۹۷	۲/۳۸۷	۰/۰۰۲
			۳/۴۶۸	۳/۸۳۶	۰/۰۰۰
دوره رکود					

۸. نتیجه گیری

فرضیه اول

فرضیه اول: اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری می باشد. این نتایج مشابه نتایج تحقیقات جنکینز (۲۰۰۹) می باشد. جنکینز (۲۰۰۹) در تحقیق خود با استفاده از مدل محافظه کاری باسو (۱۹۹۷) نشان داد شرکت ها در دوران رکود و افول نسبت به دوران رونق به دلیل بالا بودن ریسک دعاوی حقوقی از گزارشگری محافظه کارانه تر استفاده می کنند.

در تحلیل نتیجه مزبور باید خاطر نشان کرد از آنجایی که در طی دوره های رکود میزان دعاوی حقوقی بیشتر بوده و نیز به دلیل کاهش سود آوری در طی دوران رکود معمولاً شرکت ها در جستجوی

تامین مالی خارجی هستند و لذا عرضه کنندگان و متصدیان تامین مالی از طریق بدهی نیز بیشتر خواستار حسابداری محافظه کارانه تر هستند، زیرا ریسک ناتوانی در پرداخت بدهی را بهتر گزارش می کند.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: کیفیت سود در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از ارتباط ارزشی کیفیت سود در طول دوره های رونق تجاری می باشد. این نتایج با نتایج تحقیق لاندیم و مایرز (۲۰۰۲) ناسازگار می باشد. لاندیم و مایرز (۲۰۰۲) در تحقیق

خود با استفاده از مدل محافظه کاری گیولی و هان (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که در دوران رشد اقتصادی نسبت به دوران رکود اقتصادی سود های جاری و آتی شرکت ها از محتوای اطلاعاتی بیشتری برخوردار می باشد. در تحلیل نتیجه مزبور می توان گفت که سرمایه گذاران، تحلیل گران و تصمیم گیرندگان در طول دوران رونق اقتصادی تمرکز بیشتری بر اطلاعات حسابداری همچون سود حسابداری به منظور ارزیابی و برآورد چشم انداز و عملکرد آتی شرکت تمرکز نموده در حالی که در طی دوران رکود اقتصادی بر عواملی مثل درجهی محافظه کاری در گزارشگری مالی و ریسک دعاوی حقوقی که علایم رکود اقتصادی بوده تمرکز می نمایند بنابراین انتظار می رود در طی دوران رونق میزان محتوای اطلاعاتی سود حسابداری نسبت به دوران رکود بیشتر باشد.

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: در شرایط تورمی در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از شرایط تورمی در طول دوره های رونق تجاری می باشد. این نتایج با نتایج تحقیق لاندیم و مایرز (۲۰۰۲) ناسازگار می باشد. لاندیم و مایرز (۲۰۰۲) در تحقیق خود با استفاده از مدل محافظه کاری گیولی و هان (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که در دوران رشد اقتصادی نسبت به دوران رکود اقتصادی سود های جاری و آتی شرکت ها از محتوای اطلاعاتی بیشتری برخوردار می باشد.

در تحلیل نتیجه مزبور باید خاطر نشان کرد از آنجایی که سرمایه گذاران، تحلیل گران و تصمیم گیرندگان در طول دوران رونق تمرکز بیشتری بر روی عوامل موثر بر رشد سود آتی دارند و کمتر بر عواملی مثل درجهی محافظه کاری در گزارشگری مالی و ریسک دعاوی حقوقی که علایم رکود اقتصادی تمرکز نموده و از سوی دیگر در طی دوران رونق سرمایه گذاران بیشتر بر اطلاعات غیر تاریخی سود تکیه می کنند که سود آتی را پیش بینی کنند و در تعیین ارزش بیشتر از سود آتی پیش بینی شده استفاده کنند، بنابراین انتظار می رود در طی دوران رونق میزان محتوای اطلاعاتی سود های مورد انتظار آتی نسبت به دوران رکود بیشتر باشد.

۹. پیشنهادهای حاصل از یافته های پژوهش

با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهادهایی برای استفاده از این نتایج به شرح زیر ارائه می گردد:

(۱) با توجه به نتیجه فرضیه اول مبنی بر این که اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از اندازه (میزان) محافظه کاری حسابداری در طول دوره های رونق تجاری می باشد به سرمایه گذاران، تحلیل گران و کلیه تصمیم گیرندگان توصیه می شود در هنگام تحلیل طرح های سرمایه گذاری و ارزیابی سهام شرکت ها به این نکته توجه نمایند که شرکت های در دوران رکود تجاری عمدتاً سود (زیان) خود را کمتر (بیشتر) از واقع ارزیابی نموده اند لذا آثار آن را در ارزشگذاری واقعی سهام این شرکت ها به منظور تصمیم گیری صحیح مد نظر قرار دهند.

(۲) با توجه به نتیجه فرضیه دوم مبنی بر این که کیفیت سود در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از ارتباط ارزشی کیفیت سود در طول دوره های رونق تجاری می باشد، به سرمایه گذاران، تحلیل گران و کلیه تصمیم گیرندگان توصیه

می شود در هنگام استفاده از اطلاعات حسابداری با توجه به دوران چرخه تجاری به اطلاعات مورد استفاده وزن اختصاص دهند به طوری که در دوران رونق تجاری به سود حسابداری شرکت ها وزن بیشتری داده و در دوران رکود از سایر اطلاعات جایگزین که دارای محتوای اطلاعاتی بیشتر و سودمند تر بوده استفاده نمایند.

۳) با توجه به نتیجه فرضیه سوم مبنی بر این که در شرایط تورمی در طول دوره های رکود تجاری بیشتر از شرایط تورمی در طول دوره های رونق تجاری می باشد، به سرمایه گذاران، تحلیل گران و کلیه تصمیم گیرندگان توصیه می شود در هنگام استفاده از اطلاعات حسابداری با توجه به دوران چرخه تجاری به اطلاعات مورد استفاده وزن اختصاص دهند به طوری که در دوران رونق تجاری به سود های مورد انتظار آتی شرکت ها وزن بیشتری داده و در دوران رکود از سایر اطلاعات جایگزین که دارای محتوای اطلاعاتی بیشتر و سودمند تر بوده استفاده نمایند.

منابع

۱. ابراهیمی کرد لر، علی و شهریاری، علیرضا (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین هزینه سیاسی و محافظه کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران» بررسی حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، ۱۶: ۵۷-۳
۲. اعتمادی، حسین و فرج زاده دهکردی (۱۳۹۱)، "تاثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۴ (۱۳)
۳. خدابی پور، احمد و ماهانی، علی ترک زاده (۱۳۸۵) «بررسی تاثیر مالیات بر محافظه کاری در گزارشگری مالی» مجله پژوهشهای حسابداری مالی، دوره ۳، ۱۲۷: ۹-۱۴۵
۴. رضا زاده، جوادو آزاد عبدالله (۱۳۸۴) «بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و میزان محافظه کاری بر گزارشگری» بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۵، ۶۳: ۵۴-۸۰
۵. ستایش، محمد حسین و ابراهیمی، فهیمه (۱۳۹۷) «بررسی تاثیر ساز و کار حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه دانش حسابداری، دوره ۵، ۳۱: ۸-۴۸
۶. کردستانی، غلامرضا وحدادی، مجید (۱۳۸۶) «بررسی رابطه بین محافظه کاری در حسابداری و هزینه سرمایه» پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱، ۳: ۲۳-۵۰
۷. کردستانی، غلامرضا و حبیب امیر بیگی لنگرودی (۱۳۸۷)، "محافظه کاری در گزارشگری مالی، بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری" بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲ (۵۲)

8. Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2012). "Evidence on the role of accounting conservatism in corporate governance." *Journal of Accounting and Economics*, 43, 411-437.
9. Ball, R., Shivakumar, L., 2008. The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *J. Account. Res.* 44 (2), 207-242.

10. Basu, S., 1997. The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *J. Account. Econ.* 24, 3–37.
11. bal,cotari, S., (2007). Discussion of on the asymmetric recognition of good and bad news in France, Germany and the United Kingdom. *Journal of Business Finance & Accounting* 28: 1333-1349.
- Beatty, A., B. Ke, and K. Petroni. 2002. Differential earnings management to avoid earnings declines and losses across publicly and privately held banks. *The Accounting Review*, July 2002
13. bedford, once,C.T., Rao, R.P., 1966. The determinants of board composition: an agency theory perspective. *Manag. Dec. Econ.* 16,59–69.
14. belinkez, M.S., 1992. An empirical analysis of the relation between board of director composition and financial statement fraud. *Account. Rev.* 71, 443–465.
15. Belis, W., P. Pope, and S. Young. (1924). “The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: Evidence from the U.K. Corporate Governance.” *An International Review* 12 (1): 47–59.
16. beaver, R.M., ryan, S., Venkatachalam, M., 2000. Accounting Discretion, Corporate Governance and Firm Performance.
17. University of Washington and Duke University (Unpublished Working paper).
18. ditrich,MOLLER,RIDEL, W., 2006. A framework for determining the influence of corporate board of directors in accounting studies. *Corp. Gover.* 9 (1), 2–24.
19. dig, estolvoy, 2006. Founding family ownership and earnings quality. *J. Account. Res.* 44 (3), 619–656.
20. escor, K.V., Pope, P.E., Young, S., 2008. Accrual management to meet earnings targets: UK evidence pre- and post-cadbury. *Brit. Account. Rev.* 32, 415.
21. felteham, M., olsen, J., 1995. A modest proposal for improved corporate governance. *Business Lawyer* 48, 59–77.
22. Givoly, D., Hayn, C., (2000). “The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial reporting become more conservative? ” *Journal of Accounting and Economics* 29 (3), 287–320.
23. jang ‘kan,, K.R., 2002. The pricing of discretionary accruals. *J. Account. Econ.* 22, 249–281.
24. khan,watss, J. (2007). “The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers.” *Journal of Accounting & Economics* 45: 27-54.
25. Hin, M., Cahan, S.F., Adams, M.B., 2003. The investment opportunity set and the voluntary use of outside directors: New Zealand evidence. *Account. Business Res.* 30, 263–273.
26. hendericson, berda, 1992. Outside directors and CEO turnover. *J. Financ. Econ.* 20 (1/2), 431–460.
27. Lafond, R., Roychowdhury, S., 2012. Managerial ownership and accounting conservatism. *J. Account. Res.* 46 (1), 101–135.
28. LaFond, R., Watts, R., (2009). “The information role of conservatism. ” *The Accounting Review* 83 (2), 447–478.
29. MATSONAGA, M., Lorsch, J.,2014. A modest proposal for improved corporate governance. *Business Lawyer* 48, 59–77.

30. LI, C., Randoy, T., Jenssen, J., 2014. The effect of founding family influence on firm value and corporate governance. *J. Int. Financ. Manag. Account.* 12 (3), 235–259.
31. PA, I., McLeay, S., Asimakopoulos, I., 2014. The timeliness of income recognition by interlisted european companies: an analysis of institutional and market complexity. *J. Business Financ. Account.* 31 (1–2), 115–148.
32. porter, K.J., Seth, A., 1992. Board of directors and substitution effects of alternative governance mechanisms. *Strategic Manag. J.* 16, 85–99.
33. Sakaran, D.J., 2004. Why firms voluntarily disclose bad news. *J. Account. Res.* 32, 38–60.
34. Warfield, T., Wild, J., Wild, K., 1995. Managerial ownership, accounting choices, and informativeness of earnings. *J. Account. Econ.* 20 (1), 61–91.
35. Watts, R., and J. Zimmerman. 1990. *Positive Accounting Theory*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
36. Watts, R., (2003). “Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications.” *Accounting Horizons* 17 (3): 207–221.

Investigating the relationship between conservatism with profit quality and economic inflation conditions in companies

Mehdi Golshan ^{*1}

Mohammad Reza Abodi ²

Date of Receipt: 2021/05/15 Date of Issue: 2021/05/26

Abstract

The main purpose of this study is to investigate the relationship between conservatism with profit quality and economic inflation conditions in companies during the years 1392 to 1397. In this research, the information required for the research has been extracted from CDs containing financial reports of companies listed on the Tehran Stock Exchange, as well as from new Rahvard and Tadbir Pardaz software. The statistical population of this research is all companies that have been listed on the Tehran Stock Exchange at least since the beginning of 1392 and have been present in it until the end of 1397. The statistical sample size is based on the systematic elimination method of 120 companies. Results of analysis 120 companies using multivariate regression at 95% confidence level show that the amount (amount) of accounting conservatism during periods of recession is greater than the amount (amount) of accounting conservatism during periods of business boom.

Keywords

Conservatism, profit quality, inflationary conditions

1. Master of Accounting, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran. (Ahcom1368@gmail.com)
2. Associate Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Shahroud, Iran. (Mra830@yahoo.com)